دور نما

دیلی پاک بنکر (پاکستان)

ژنرال قمر جاوید باجوا، فرمانده ارتش پاکستان در پاسخ به سؤال‌ها در مورد اینکه آیا موضع ارتش پاکستان در قبال درخواست پنتاگون برای احداث پایگاه در پاکستان مشابه دولت است، تأکید کرد که ارتش مطیع خواسته‌های دولت عمران خان و تصمیم‌های آن است و معتقد است نمی‌توانیم خاک پاکستان را در اختیار نیروهای امریکایی بگذاریم.

نیویورک تایمز (امریکا)

در محاسبات آمار بیکاری ناشی از شیوع کرونا معمولاً فقط به آمارهای بیمه‌های بیکاری مراجعه می‌شود درحالی که شمار زیادی از امریکایی‌هایی که هنوز چند سالی تا بازنشستگی‌شان مانده بود، بعد از بیکار شدن بخاطر کرونا مجبور شدند زودتر از موعد سراغ بازنشستگی روند تا ازمزایای حقوق آن برخوردار شوند.

هشت صبح (افغانستان)

در پی خروج امریکا از بگرام و فرا رسیدن زمان تکمیل خروج این نیروها از سراسر افغانستان، نگرانی‌ها از شرایط امنیتی باعث شده است تا کابل دست کمک به سوی روسیه دراز کند. این چیزی است که در سفر حمدالله محب، مشاور امنیت ملی دولت دنبال می‌شود و مسکو نیز وعده‌هایی به او داده است.

پاورقی

خاطرات یک دیپلمات

۹۸ روایت گمشده

فاروق الشرع / وزیر خارجه سابق سوریه
مترجم: حسین جابری انصاری

آغاز در دمشق و امضا در طائف

نشست‌های ماراتونی من و ایلی سالم مشاور امور خارجی رئیس‌جمهوری لبنان بر اساس دستور رئیس‌جمهوری اسد در مقر وزارت خارجه سوریه در تاریخ ۵ ژانویه ۱۹۸۷ آغاز شد. ولید معلم مدیر دفاتر ویژه وزارت خارجه و سرتیپ غازی کنعان رئیس سازمان اطلاعات ارتش سوریه در لبنان با من و در کنار ایلی سالم، نیز سرهنگ سیمون قسیس مدیر اطلاعات ارتش لبنان و دکتر نقولا نصر نویسنده صورت جلسه طرف لبنانی، حضور داشتند.

این نشست‌های ماراتونی، صریح‌اللهجه و روح دوستی و اشتیاق برای رسیدن به توافقی رضایت‌بخش برای همه بر آن حاکم بود. ایلی سالم در این نشست‌ها به‌صورت فردی اهل تعامل ظاهر شد و امنیتی‌های حاضر در نشست‌ها شامل سرتیپ غازی کنعان و سرهنگ سیمون قسیس ساکت نشسته و ملتزم به توافق‌هایی بودند که ما به آن می‌رسیدیم. رئیس‌جمهوری اسد نیز به نتیجه‌ای که رسیدیم خوش آمد گفت و بدین سان توپ در زمین لبنان افتاد. این نشست‌ها از ۵ ژانویه تا مارس ۱۹۸۷ در قالب سیزده جلسه به درازا کشید و پس از دوره‌ای توقف، ادامه یافت. سرانجام در ۱۱ ژوئن ۱۹۸۷ در قالب فرمول «میثاق ملی» به نتیجه رسید که یکی از حلقه‌های مقدماتی اصلی برای توافق دو سال بعد طائف را شکل داد.

این توافق که با نگرش مبتنی بر رابطه بین دو کشور نگارش شده بود، با موافقت رئیس‌جمهوری اسد همراه شد. اما پس از آن، دوباره به گوشه‌گیری از ورود در امور لبنان بازگشتم و کوشیدم نقشم در این کشور آخرین موضوع در فهرست نقش‌آفرینی‌هایم به‌عنوان وزیر خارجه باشد. از همین رو، به شخصه مسائل بعدی مرتبط با این توافق را دنبال نکردم، اما برداشتم از گزارش‌های مرحله به مرحله دریافتی این بود که بازتابی مثبت در لبنان ایجاد کرده است که نمی‌توان آن را کوچک شمرد. این سند پیشرفت مهمی بود، تا آن اندازه که واتیکان را بر آن داشت که با «اشتباه بزرگ» نامیدن مخالفت با آن، به رهبران مسیحی مخالفش فشار آورد تا موافقت خود را اعلام کنند. اما رهبران جریان ملی لبنان که تحت تأثیر موضع خدام بودند، در اعلام ارزیابی خود از توافق تأخیر کردند.

اینک و بر اساس تحولات بعدی می‌توانم بگویم این صیغه توافقی، پایه‌ای را شکل داد که ایده‌ها و برنامه‌های دیگر سندهای اصلاح ملی از آن برخاست و «میثاق طائف» بر زمینه آنها بنیاد گرفت. بندهای متعددی از این سند از نظر من اهمیت داشت، اما بارزترین آنها تأکید بر ضرورت لغو طایفه‌گرایی سیاسی در لبنان، تشکیل هیأتی برای لغو آن در پایان مسیر و آغاز برداشتن گام‌های انتقالی منجر به آن و همچنین انجام همه اقدامات لازم برای آزادی بی‌قید و شرط سرزمین‌های اشغالی لبنان از اسرائیل و گسترش سیطره حکومت لبنان بر آن بود. ضمن اینکه مطابق این سند، همه اهداف فوق در چارچوب روابط راهبردی همه جانبه میان لبنان و سوره، انجام می‌شد.

از اینجا به بعد و در آن شرایط نقش رفیق حریری بازرگان لبنانی - سعودی به‌طور مشخص و با قوت در سطح رویدادها، ظاهر شد و رابطه تردیدناپذیر میان اقتصاد و سیاست را در عمل نشان داد. از همین نقطه، حلقه ارتباطات بین حریری و سوریه و به‌طور مشخص از طریق خدام آغاز شد، بی‌آنکه نقش ریچارد مورفی و دیدارهای مکرر او از دمشق و بیروت را نادیده بگیریم. دیدارهایی که مورفی در جریان آن جزئیات دقیق موضوعات را در واپسین ماه‌ها و سال‌های پیش از توافق طائف دنبال می‌کرد.

حریری، گروه خاص خود را پس از قطع رابطه بین رئیس‌جمهوری اسد و جمیل رئیس‌جمهوری لبنان، تشکیل داد. این تحول در پی ترور رشید کرامی نخست‌وزیر لبنان در اول ژوئن ۱۹۸۷ و بروز متغیر جدیدی انجام شد که انداختن مسئولیت کودتا علیه توافقنامه سه‌جانبه از سوی ما بر گردن جمیل بود. نقشی که اسد آن را در پنهان و آشکار به‌عنوان وضعیت اسرائیلی در منطقه شرقی [مسیحی نشین بیروت] توصیف می‌کرد.

رئیس‌جمهوری مرا در جریان کلیات این تماس‌ها و ارتباطات قرار داد که درونمایه آن سندی بود که حریری در ژوئن ۱۹۸۷ از طریق خدام به رئیس‌جمهوری اسد ارائه کرد. این سند که شامل هشت اصل برای حل مشکلات لبنان می‌شد و جمیل و طبیعتاً مسئولان سعودی با آن موافقت کرده بودند، مفاد اصلی توافق الشرع - کنعان نمایندگان رئیس‌جمهوری اسد و سالم - سیمون قسیس نمایندگان رئیس‌جمهوری جمیل را در برداشت. امیر سعود الفیصل و در کنارش رفیق حریری در این مرحله زیاد به دمشق رفت و آمد و نقش بارزی در نگارش توافق طائف و بویژه فصل مربوط به روابط متمایز سوریه و لبنان آن، داشتند.

از برجسته‌ترین موارد مورد توجه من درباره توافق طائف موضوعاتی بود که درباره روابط سوریه و لبنان در این توافق آمد. همچنین و به شکل ویژه مناقشه درازدامنی مورد توجه من بود که درباره صلح با اسرائیل و ضرورت یکپارچگی دو روند صلح سوری و لبنانی در جریان بود. من بر این باورم که جدایی این دو روند، برخلاف نظر برخی لبنانی‌ها و جدای از آنکه چه کسی در سوریه و لبنان حکومت می‌کند، به هیچ وجه در خدمت استقلال لبنان نیست. موضوع دوم که بارها به رئیس‌جمهوری اسد و به اکثر فرماندهان ارتش سوریه گفتم، بی‌آنکه آن را آشکارا اعلام کنم این بود که سوریه می‌بایست به حضور نظامی خود در لبنان مطابق متن توافق طائف، نه بیشتر و نه کمتر، اکتفا کند. به عبارتی حفظ نیروهای سوریه تنها در مناطق مشخصی مانند ضهرالبیدر و عین داره، تا از این راه از یک سو امنیت سوریه را در برابر هر هجوم اسرائیل تأمین و از سوی دیگر امنیت لبنان را حفظ کند و همزمان منافع شخصی افراد خاص را برای مصلحت منافع دائمی دو ملت برادر، قربانی کند.

جغرافیای سیاسی و اقتصادی بین لبنان و سوریه، به دور از شعارها، ایدئولوژی‌ها و مذاهب، احترام متقابل و منافع مشترک بین دو کشور را ضروری می‌سازد. ضمن اینکه نگاه مثبت بنا نهاده شده بر آگاهی و درک متقابل نسبت به جغرافیای دو کشور نمی‌تواند جز در امنیت متقابل و خیر مشترک بازتاب یابد.

هیچ‌کس حق ندارد اجماع لبنانی‌ها را - جدای از گرایش‌ها، مذاهب و انگیزه‌های برخی از آنها - در زمینه نپذیرفتن وطن گزینی فلسطینی‌ها در لبنان یا اصرار بر حق بازگشت آوارگان فلسطینی، نادیده گیرد.

خاطرات ۴۵۳ روز حضور در کاخ سفید

اتاقی که در آنجا اتفاق افتاد

جان بولتون / مشاور امنیت ملی سابق ترامپ / مترجمان: مسعود میرزایی و بهجت عباسی

ادامه پاورقی خاطرات بولتون را در سایت ایران آنلاین (ion.ir) بخوانید.

هُرم خشم عراقی‌ها از خاموشی برق در گرمای تابستان

بنفشه غلامی/ قطع سراسری برق در عراق که روز جمعه باعث اعتراض‌هایی در این کشور شد، منجر به برکناری چند مقام این کشور شد. دولت وعده داده این مشکل بزودی حل شود.

به‌گزارش خبرگزاری «رویترز»، دفتر نخست‌وزیری عراق با صدور بیانیه‌ای از برکناری مدیر کل شرکت برق این کشور و توبیخ او به‌خاطر اهمال در انجام وظایف خود خبر داد. به جز مدیر کل شرکت برق عراق، چند نفر از دیگر مسئولانی که مسئول این قطع برق سراسری شناخته شدند، از کار برکنار شدند. بر اساس این بیانیه همچنین کارگروهی ویژه تحقیقات درخصوص قطع برق تشکیل شد تا کاستی‌های موجود شناخته شده و مشکلات برق عراق حل شود.

این در حالی است که طی روزهای گذشته خبرها حاکی از آن بود که شماری از گروه‌های شبه نظامی حاضر در عراق اقدام به منفجر کردن شماری از دکل‌های اصلی برق در این کشور کرده بودند.

قطع برق در عراق در حالی رخ داده است که در کنار قطع برق، قطع آب در برخی از مناطق بغداد در شرایطی که دمای هوا در این شهر و سراسر عراق به ۵۰ درجه سانتیگراد می‌رسید، باعث خشم و ناراحتی مردم شده است. به همین دلیل نیز روز جمعه بعد از نماز جمعه، نمازگزاران منطقه صدر بغداد که زیر چادرهای گرم برپا شده عرق ریختند و نماز خواندند، پس از پایان نماز اعتراض کرده و به دولت انتقاد کردند که چرا در تولید برق اهمال می‌کنند و متکی به برق وارداتی هستند. برخی از این معترضان برای خبرنگار «رویترز» توضیح داده‌اند که به‌دلیل قطع طولانی مدت برق، مردم مجبور به استفاده از ژنراتورهای خانگی که با سوخت‌های فسیلی کار می‌کنند، هستند. همین باعث شده در شرایطی که کوچکترین بادی نمی‌وزد، آلودگی هوا نیز بر شرایط سخت بی‌برقی و بی‌آبی افزوده شده و راه نفس را بر آنها ببندد.

اعتراض‌ها در منطقه قلعه صالح در استان میسان به درگیری‌هایی میان معترضان و نیروهای امنیتی منجر شد که در نتیجه آن یک غیرنظامی کشته و ۹ نفر دیگر زخمی شدند.

■ **فرار از مسئولیت**

به‌گزارش خبرگزاری «فرانس پرس»، در چند هفته‌ای که از مشکلات برقی مردم عراق می‌گذرد، به جز وزیر برق و انرژی عراق که تحت فشارهای روز افزون اقدام به استعفا کرد، هیچ کدام از مسئولان حاضر نشده‌اند، مسئولیت بپذیرند و همین باعث خشم مهار نشدنی ۴۰ میلیون عراقی از سیاستمدارانی شده است که مردم معتقدند فاسد هستند و آنان را بازیچه سیاست‌های خود کرده‌اند. بازتاب این نارضایتی‌ها را می‌توان در توئیتی از «سجاد جیاد» یکی از تحلیلگران سیاسی عراق دید: «وزارت برق وزارت نفت را مقصر می‌داند و وزارت نفت وزارت دارایی را و وزارت دارایی هم ایران را مقصر می‌داند که برق صادر نمی‌کند و دولت هم مقصر را کسانی می‌داند که سیاستمداران را به کوتاهی و اهمال متهم می‌کنند.

AFP

سیاستمداران فقط از زیر بار مسئولیت شانه خالی می‌کنند و ما باید با این وضعیت زندگی کنیم.»

■ **چرا قطع برق**

اشاره این تحلیلگر سیاسی عراق به ایران در حالی است که تهران از روز سه‌شنبه هفته پیش تصمیم گرفت صادرات برق به عراق را به‌دلیل اینکه میزان بدهی این کشور به ایران به بیش از ۶ میلیارد دلار رسیده است، متوقف کند. اما عراق می‌گوید به‌دلیل کرونا و بحران اقتصادی قادر به پرداخت بدهی خود نیست. این در شرایطی است که عراق دومین تولید کننده نفت در اوپک است. اما هنوز موفق به بازسازی شبکه برق خود که در طول نزدیک به دو دهه جنگ از بین رفته نشده است و تنها مدتی پیش وعده داد که تا سال ۲۰۳۰ هشت راکتور هسته‌ای خواهد ساخت که این کشور را از واردات برق بی‌نیاز کند. اما کارشناسان می‌گویند عراق به جای ساخت چنین راکتورهایی باید زیرساخت‌های خود را بازسازی کند تا به‌دلیل وجود مدارهای قدیمی، بیش از ۳۰ تا ۵۰ درصد ظرفیت برق این کشور هرز می‌رود.

با این حال دولت مردم را نیز دخیل در این نابسامانی‌ها می‌داند و می‌گوید تنها تعداد کمی از مشترکین برق هزینه‌های برق و همچنین آب مصرفی خود را پرداخت می‌کنند و برخی از خانواده‌ها نیز اقدام به سرقت برق با زدن قلاب‌ها و ابزارهای مخصوص می‌کنند.

اما «آلن جانسون»، تحلیلگر شبکه خبری «بی بی سی» می‌گوید: «شبکه برق عراق سال‌ها در وضعیت وخیمی بوده است، اما بیش از هر چیز دلیل آن مدیریت بد و فاسد بوده است.»

«فرانس پرس» نیز در گزارش خود تأکید کرده موجودی خزانه دولتی عراق به ده‌ها میلیارد دلار می‌رسد اما این کشور به لحاظ نبود شفافیت مالی در پایین‌ترین رتبه‌های جهانی قرار دارد.

طرح امریکا برای حمایت دولت افغانستان از خاک قطر

گروه جهان/ پس از تصمیم مهم امریکا برای تخلیه بزرگترین پایگاه هوایی خود در افغانستان، پنتاگون، آرایش فرماندهی نظامیان در این کشور را نیز تغییر داد و با کنار گذاشتن فرمانده کهنه کار اما منتقد کاخ سفید در افغانستان، کنترل اوضاع را به سنتکام واگذار کرد.

به گزارش شبکه «ای‌بی‌سی»، براساس دستور «جو بایدن»، وزارت دفاع امریکا موظف به ترک کامل افغانستان تا ۱۱ سپتامبر است اما ترک پایگاه «بگرام»، ساختار جدید فرماندهی نظامی امریکا در افغانستان و همچنین رایزنی با ترکیه برای تأمین امنیت فرودگاه کابل این زمان را کمی به جلو و به پایان آگوست رسانده است. «جان کربی»، سخنگوی پنتاگون معتقد است: «یک خروج ایمن و با برنامه می‌تواند شرایط را برای حضور دیپلماتیک در آینده و حمایت از دولت و مردم افغانستان فراهم آورده و از بدل شدن افغانستان به پناهگاه امن تروریست‌ها جلوگیری کند.»

وی با اشاره به چیدمان جدید «لویدآستین» در ساختار فرماندهی امریکا در راستای اطمینان از اینکه این کشور دیگر مکانی امن برای حضور تروریست‌ها نیست، از انتصاب ژنرال «کنت مک کنزی» فرمانده ستاد فرماندهی مرکزی ایالات متحده موسوم به سنتکام به جای ژنرال «اسکات میلر» فرمانده فعلی امریکا در افغانستان خبر داد: «این انتقال در چند هفته آینده انجام خواهد شد.» «میلر» که در هفته‌های اخیر بارها از تصمیم بایدن برای خروج از افغانستان در این برهه انتقاد کرده بود، قرار است تا تفویض کامل اختیارات به «مک کنزی» به چندین سفر به داخل و خارج افغانستان برود.

به نوشته «هشت صبح»، بنا بر اعلام وزارت دفاع امریکا قرار است حمایت لجستیکی و پشتیبانی مالی از نیروهای امنیتی بویژه نیروهای هوایی افغانستان نیز به مرکز فرماندهی در قطر محول شود. همچنین به‌منظور حفظ حضور دیپلماتیک ایالات متحده در افغانستان و پشتیبانی از نیروهای امنیتی، واحدی به نام «نیروهای امریکایی افغانستان رو به جلو» در کابل ایجاد و فرماندهی آن به «پیتر وازلی» فرمانده نیروی دریایی امریکا سپرده می‌شود.

■ **سفر امنیتی به روسیه**

همزمان با خروج نیروهای امریکایی و ناتو از افغانستان آن هم در اوج خشونت طالبان در مناطق مختلف این کشور، «حمدالله محب» مشاور امنیت ملی افغانستان به مسکو سفر کرد.

وی قرار است برای همکاری‌های امنیتی آتی با «نیکولای پاتروشیف» مشاور امنیت ملی روسیه دیدار کند. به گزارش خبرنامه شورای امنیت ملی افغانستان، چشم‌انداز افزایش همکاری در زمینه صلح، امنیت و مبارزه با تروریسم و تقویت روابط همه جانبه دو کشور محور گفت‌وگوها بوده است.

همچنین گمانه زنی‌هایی نیز درباره مذاکرات همکاری‌های تسلیحاتی دو کشور مطرح شده است. این سفر در حالی انجام شد که در داخل افغانستان نیز مقامات این کشور خروج امریکا را غیرمسئولانه دانسته و چشم به حمایت قدرت‌های بزرگ جهان دارند. به گزارش ایسنا، «حامد کرزای»، رئیس‌جمهوری سابق افغانستان به «گلوبال تایمز» گفت: «شکست امریکا و همپیمانانش موضوعی است که امریکا باید درباره آن به مردم افغانستان توضیح دهد چراکه مردم می‌خواهند خروج امریکا مسئولانه باشد. اما ما برای ریشه کن کردن حملات تروریستی نیاز به همکاری همسایگان و قدرت‌های بزرگ جهانی مانند چین داریم.»

بن‌بست اصلاح قانون انتخابات لیبی در مذاکرات ژنو

Hafryat

هماهنگ کننده سازمان ملل در لیبی از پایان مذاکرات سیاسی ژنو درباره این کشور بدون توافق بر سر چگونگی برگزاری قانونی انتخابات خبر داد. به گزارش ایسنا به نقل از آناتولی، «ریزدون زنینگا» در جلسه اختتامیه مذاکرات اخیر، خواهان دستیابی به راه‌حلی میانه برای اتحاد احزاب لیبی و ادامه رایزنی طرف های درگیر شد و گفت: «ما به همکاری طرف‌های لیبیایی و کمیته توافقات آماده‌سازی برای ایجاد زمینه‌های مشترک ادامه می‌دهیم.

این نشست نتوانست درباره سازوکار قانونی برگزاری انتخابات توافقی داشته باشد و شرکت‌کنندگان بر سر هیچ یک از سه پیشنهاد درباره مکانیزم برگزاری انتخابات توافق نکردند.» در همین حال «عبدالحمید الدبیبه»، نخست‌وزیر دولت وحدت ملی از همه احزاب خواست در مورد انتخابات به اجماعی برسند و در توئیتی نوشت: «ما از همه احزاب و هیأت سازمان ملل می‌خواهیم مسئولیت‌های خود را پذیرفته و منافع عمومی را اولویت قرار دهند و فرمولی را تضمین کنند که مردم لیبی بتوانند با استفاده از حق رأی خود دولت جدید را انتخاب کنند.»

«ریچارد نورلند»، فرستاده ویژه امریکا در لیبی نیز از تلاش‌های بعضی از اعضا برای سنگ‌اندازی در مسیر برگزاری انتخابات لیبی خبر داد و گفت: «برخی اعضا با طولانی کردن روند قانونی یا ایجاد شرایط جدید سعی در تعویق زمان انتخابات دارند، اما آینده لیبی را فقط لیبیایی‌ها می‌توانند تعیین کنند. گرچه هیأت سازمان ملل در این کشور تلاش زیادی انجام داد اما نمی تواند بجای مردم تصمیم بگیرد.»

درخواست امریکا برای مجازات عاملان انفجار بیروت

AFP

سفیر امریکا در لبنان در آستانه نخستین سالگرد انفجار بندر بیروت خواستار مجازات عاملان این واقعه مرگبار و مختومه شدن این پرونده شد.

به‌گزارش ایسنا به نقل از سایت «المیادین»، «دوروتی شیا»، سفیر امریکا در لبنان یک روز پس از اعلام قاضی این پرونده از آغاز پیگرد قضایی سیاستمداران، وزرا، نظامیان و مقامات امنیتی پس از پایان مرحله تحقیقات گفت: «من هم مانند ملت لبنان در انتظار انتخابات سال آینده هستم. امیدوارم در سال آتی اقدامات مسئولانه‌ای برای خروج لبنان از بحران‌های متعدد انجام شود. دولت و ملت امریکا نیز در قبال لبنان متعهد هستند.»

گفته می‌شود در این پرونده علیه «حسان دیاب» نخست‌وزیر مستعفی لبنان و شماری از وزرا و مسئولان امنیتی سابق این کشور شکایت شده و بزودی احضار خواهند شد.

در این شرایط «دیوید هیل»، معاون امور سیاسی وزیر خارجه امریکا نیز نسبت به فروپاشی قریب الوقوع این کشور خاورمیانه هشدار داد. وی گفت: «سیاستمداران لبنانی باید اراده لازم برای انجام اصلاحات قبل از ارائه هرگونه کمک خارجی را نشان دهند.

هیچ طرح نجات بین‌المللی برای لبنان وجود ندارد اما کمک بزرگی برای تحقق برنامه اصلاحات وجود خواهد داشت.»

اما لبنان علاوه بر فروپاشی اقتصادی با خطر از هم گسستن نظامی نیز روبه‌رو است. به طوری که به نوشته «الجزیره»، «جوزف عون» فرمانده ارتش لبنان معتقد است در صورتی که ارتش از نظر مالی تأمین نشود سقوط آن چندان دور نخواهد بود.»

تحلیل روز

آشفتگی دیپلماسی بایدن در افغانستان

اریک اشمیت
تحلیلگر نیویورک تایمز
مترجم: وصال روحانی

جو بایدن همیشه ادعا کرده که خروج آخرین سربازان امریکایی از بگرام افغانستان پایانی بر مسئولیت‌های امریکا در این کشور نیست، اما واقعیت امر چیزی جز این است.

در سه ماهی که پس از صدور حکم تخلیه سربازان امریکایی از افغانستان می‌گذرد، نشانه‌های استمرار کمک این سربازان به دولت افغانستان برای برقراری امنیت در یک کشور ملوک الطوایفی تقریباً به حد صفر رسیده است. اینک هیچ درجه‌دار و مستشار نظامی امریکا نیز در کابل حضور ندارد تا به ارتش ضعیف افغانستان در راه تقابل با طالبان و داعش و امثال آنها مشاوره بدهد.

بالگردهای بلک هاوک امریکا که در سرکوب مخالفان دولت مشارکت می‌کردند، بلااستفاده در گوشه‌ای افتاده‌اند و از کل نیروهای ناتو فقط مشتی سرباز ترکیه‌ای و بریتانیایی مانده‌اند که وظیفه آنها نیز مراقبت از سفارتخانه‌های این کشورها و ایمن نگه‌داشتن حول‌وحوش فرودگاه کابل است تا اگر دیپلمات‌های بریتانیایی و ترکیه قصد فرار از کابل را داشتند، مسیر را برایشان هموار کنند. رئیس‌جمهوری امریکا نیز تأکید کرده که معدود سربازان باقی‌مانده کشورش در کابل وظیفه حراست از سفارتخانه امریکا را دارند و وقتی از او سؤال شد که چگونه پس از خروج نیروهایتان هنوز مدعی کمک به دولت کابل هستید، وی گفت: «ما به مدت ۲۰ سال آزگار با دولت و ارتش افغانستان همکاری کرده‌ایم و وقت آن رسیده است که آنها سرانجام روی پای خود بایستند. ما یک نیروی هوایی قوی برای آنها ساخته‌ایم و هر کمک فکری‌ای هم که از ما بخواهند، به آنان می‌دهیم.»

شاید بایدن برای پایان دادن به حضور سربازان امریکایی در افغانستان دلایل کافی داشته باشد. از یک‌سو تعداد قابل ملاحظه‌ای سرباز و درجه‌دار امریکایی طی دو دهه اخیر در افغانستان تلف و مجروح شدند و از جانب دیگر این کشور هرگز به درجه‌ای از امنیت نرسیده که دولت جورج دبلیو بوش با اعزام مقدار زیادی سرباز امریکایی به کابل در سال ۲۰۰۱ مدعی برقراری آن شده بود. نظرسنجی‌ها می‌گویند فقط ۱۲ درصد از مردم امریکا اخبار مربوط به پیامدهای حضور سربازان کشورشان در افغانستان را تعقیب می‌کنند و همگی نیز به آثار منفی این حضور معترض‌اند. با این حال بایدن می‌داند که از پاره‌ای جهات کاری را کرده که برای ملت افغانستان مفید نیست. یکی از آنها نشانه‌های روشن سودمند نبودن مذاکرات صلح بین دولت کابل و نیروهای طالبان در دوحه قطر است و دیگری وضعیت آشفته اندک سربازان امریکایی باقی‌مانده در کابل و حرف‌ها و اقدامات دوپهلوی سران طالبان است و از یک‌سو صحبت از تعهدات خود در زمینه برقراری آرامش در کابل می‌کنند و از جانب دیگر برای برخورد با اندک سربازان باقی‌مانده ناتو و امریکا در آینده نزدیک آماده می‌شوند.

امریکایی‌ها می‌گویند اگر چه به لطف کارایی نیروی هوایی‌شان دائماً نیروهای داعش، القاعده و طالبان را در افغانستان هدف قرار می دادند اما به سبب مهارت‌های چریکی مبارزان افغانی و آشنایی بیشتر اعضای این سازمان‌ها با محیط‌های جوی افغانستان و چگونگی حرکت در مسیرهای زمینی و کوهپایه‌ها هیچ شانسی برای امریکا درخصوص غلبه بر بانیان ناآرامی در افغانستان روی زمین وجود نداشت. این موارد به این معناست که در تضاد با امیدهای القا شده توسط بایدن دولت کابل بدون مشارکت و کمک نیروهای ناتو و امریکا هیچ شانسی برای غلبه بر طالبان و داعش ندارد و بسیار زود تسلیم آنها خواهد شد. کارل دبلیوایکنبری فرمانده نیروهای امریکایی در افغانستان طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷ می‌گوید: «شاید ارتش و نیروی انتظامی افغانستان مدتی مقاومت کنند ولی دیر یا زود تسلیم خواهند شد و قدرت به دست طالبان و شرکای آنها خواهد افتاد و افغانستان باز یک کشور فاقد حد و مرز خواهد شد که در هر ولایت آن یک لشکر و سازمان خاصی حکومت خواهد کرد. همگی آنها مشتق شده از طالبان و داعش خواهند بود، بدون اینکه اهداف‌شان یکسان باشد و به این سبب باید به بایدن حق داد زیرا به جای پا فشردن روی وظایف و اهداف موهومی که در افغانستان غیرقابل دستیابی است، لااقل جان سربازان کشورش را نجات داد و به یک شکست بزرگ سیاسی- نظامی جامه‌ای ظاهری از موفقیت پوشاند.»

با این اوصاف بقیه اقدامات و ادعاهای مقامات امریکایی هم رنگ می‌بازند و یکی از آنها مستقر شدن چند ناو جنگی جدید امریکایی در آبهای منطقه به قصد زیرنظر گرفتن فعالیت نیروهایی است که دائماً به خاک افغانستان وارد و یا از آن خارج می‌شوند. حتی ژنرال کنت اف مکنزی فرمانده نیروهای امریکایی مستقر در خاورمیانه هم معترف است که نظارت موفقیت‌آمیز بر تحرکات نظامی منطقه از طریق این ناوها بسیار سخت و بعید است اما چون دولت بایدن دستور آن را صادر کرده باید با آن کنار آمد. با این مقدمات بایدن باید بزودی جوابگوی مجلس نمایندگان کشورش باشد که از او خواهند پرسید اگر تنها راه پایان دادن به بحران خود ساخته امریکایی‌ها در افغانستان گریز از کابل بود چرا این کار را چند سال پیش، زمانی که معاون باراک اوباما در کاخ سفید بود، انجام نداد.

■ **منبع:** NewYorkTimes